



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام
سال پنجم / شماره هیجدهم / زمستان ۱۴۰۲



10.22034/icrs.2024.393682.1201

رویکرد مدیریتی امام خمینی (ره) به سنت و مدرنیسم و نقش آنها در تمدن‌سازی

علی نجات بخش اصفهانی^۱ / سید علی قریشیان^۲

(۱۲۴-۱۱۴)

چکیده

دو مقوله سنت و مدرنیته از جمله مباحثی هستند که در نظام فکری اندیشمندان در مسئله تمدن و اداره حکومتها، در دوران معاصر چالش‌های زیادی ایجاد کرده است. امام خمینی مشکل و بحران رویارویی با مدرنیته را شناخته و با آگاهی از این مسأله کوشیده است راه حل رفع این معضل در جامعه ایران را ارائه نماید. سؤال اصلی تحقیق این است که دیدگاه امام خمینی در مواجهه سنت و مدرنیته چیست و در ورود به این مسئله چه فرایندی را طی کرده است؟ روش تحقیق از نوع آمیخته، و از نظر جهت‌گیری، توسعه‌ای می‌باشد. البته محققین با طراحی مدل محقق ساخته پژوهش را دنبال کرده‌اند. داده‌ها در مراحل (خلق مفاهیم و مقوله‌ها)، با کدگذاری محوری انجام شده است. محققین در مصاحبه‌های انجام شده، با صورت‌بندی الگوی اکتشافی ضمن تحلیل و تلفیق داده‌ها با ارائه مقوله‌هایی از قبیل عوامل علی، شرایط مداخله‌گر (محیطی)، عوامل راهبردی و... اقدام به نتیجه‌گیری کرده‌اند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد امام در درجه اول با احیاء و قرائت جدیدی از سنت، به خصوص سنت‌های مذهبی، و در مرحله دوم با پذیرش الزامات عملی و مقتضیات زمان و مکان، سنت و تجدد و مدرنیته را با ارزش‌های الهی تطبیق و به نفع اسلام ناب به تعامل رساند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت، سنت، مدرنیسم، تمدن‌سازی، اندیشه‌های فقهی.

۱. دانشیار گروه مدیریت و تمدن اسلامی، مرکز پژوهشی تمدن اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

hany.orveh@gmail.com

۲. استادیار، گروه مدیریت، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. a_ghoreyshian@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱ نوع مقاله: ترویجی

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین چالش‌هایی که ایرانیان، حداقل در طول صد و پنجاه سال گذشته با آن روبرو بوده است؛ تقابل و رویارویی سنت و تجدد مدرنیته و چگونگی گذر از این تنگنای تاریخی است. در این رویارویی، برخی تنها راه گریز از وضع موجود را سر تا پا غربی‌شدن و تقلید کورکورانه از غرب دانستند و عده‌ای نیز به درجا زدن بر سنت‌های گذشته اصرار ورزیده‌اند؛ سنت‌هایی که در گذر حوادث و تحولات تاریخی با ناخالصی و خرافات فراوانی ممزوج شده و نیاز به پالایش و تجدید نظر داشت. در این میان، حضرت امام خمینی (ره) دیدگاه خاصی داشت که این دیدگاه خود را در قیام و نهضت اسلامی خویش با احیای اندیشه سیاسی اسلام، به ویژه احیای تئوری حکومتی اسلام، پیاده کرد. امام خمینی برای حل مشکل و بحران رویارویی با سنت و مدرنیته به ریشه‌یابی و مدیریت آن پرداخت که در این مقاله به بررسی تبیین آن خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

جدول ۱. نظریه‌های موجود با توجه به مرور اسنادی و پیشینه

ر	عنوان مقاله	نویسنده	ویژگی‌ها و ابعاد	کمبودها	پیشنهادات
۱	سنت و مدرنیته در بیان اندیشمندان مسلمان	محمدتقی مقدمی	ایشان در ابعاد تئوریک و نظری و چالش آن با مبانی بنیادین دین، کانون بررسی‌های اندیشمندان مختلف پرداخته است. و با معرفت‌شناختی، به سنت و مدرنیته در جهان اسلام و شناخت زمینه‌های شکل‌گیری و پیامدهای اجتماعی این جریان‌ها و دامنه و عمق اثرگذاری آنها بر تحولات دنیای معاصر از جمله اهداف این پژوهش است.	اگر چه ایشان به روابط مدرنیته و سنت و معرفت-شناسی خوب پرداخته اما به اثرات هر کدام نپرداخته است.	به اثرات دوسویه و دخالت زمان و مکان پرداخته شود.
۲	مواجهه سنت و تجدد در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)	حسینی، سید حمید و همکاران	این پژوهش با روش مقایسه‌ای بین اندیشه در دو جریان مذکور به این سؤال پاسخ می‌دهد تولیدگر نظام خاص کردن خلأ تحلیل که سنت و تجدد در اندیشه امام خمینی و روشن‌فکران ملی مذهبی از چه نوع ترابطی	در این پژوهش امام خمینی نیاز به بر طرف دیدن وجه دقیقاً وجه صاحب نظرانی و اختلاف نظر مرحوم بازرگان روشن‌فکر	و

<p>مثل متعارض و متعارضین است. باززرگان است.</p>	<p>و امام در مورد سنت و مدرنیته بیان نشده است.</p>	<p>برخوردار بوده است؟ یافته‌های به دست آمده براساس داده‌ها؛ حاکی از آن است که نسبت سنت و مدرنیته در اندیشه سیاسی امام خمینی ره بهره‌برداری از دو مفهوم با نگرشی انتقادی به مدرنیته است.</p>		<p>روشنفکران ملی مذهبی</p>
<p>یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه اندیشه سیاسی امام «سنت» و «مدرنیسم» است که به رغب اهمیت بسیار زیادش، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مقایسه این بُعد از اندیشه سیاسی امام با سایر ابعاد اندیشه سیاسی وی، نمایانگر آن است که بحث سنت و مدرنیسم از دیدگاه امام (ره) همچنان در حاشیه قرار گرفته</p>	<p>حضرت امام از اندیشه سنتی «متصلب» اشاره شد بر اینکه «سنت» عبور می‌کند و با «پویا» کردن آن به مدرنیته‌گرایی ارتجاعی و غرب اسلامی یا تجدد اسلامی می‌رسد. به این گرای افراطی «مهم‌ترین صورت که بی‌نظمی و بحران که در زمان بحران زمان در اندیشه امام امام، جامعه را فرا گرفته بود، چه چیزهایی بود. علل خارجی و داخلی بود؟ امام خمینی فقیه دوران گذار بود، یعنی باعث پیدایش بحران شدند يك پا در سنت داشت و يك پا در جهان از عوامل خارجی به مدرن. به همین دلیل بود که امام از يك سو گسترش نفوذ استعمار و از بر فقه جواهری و اجتهاد سنتی پافشاری علل داخلی به مسائلی مثل می‌کرد و از سوی دیگر بر لزوم رعایت مقتضیات زمان و مکان در استنباط فقهی حوزه فرهنگی اشاره شده پای می‌فشرد.</p>		<p>نوری، مهدی و دیگران</p>	<p>تحلیل سنت و مدرنیته</p>

و بحث جدی در باره آن انجام نشده است.				
مطالعات دینی اسلامی، سیاسی و بخصوص روانشناسی برای پر کردن خلأ انتقطاع نسلی با کمک گرفتن از موضوع‌شناسی و ورود به بحث مسائل اجتماعی مدنظر باشد.	این ویژگی‌های خوب جهت حل آن چه راهکاری را پیشنهاد می‌دهد؟ پاسخ گوید و با پرداختن به پیشینه مدیریت بحران بخصوص تاریخی (ورود) مدرنیته به ایران، ابعاد، روند بحران سنت و مدرنیته در پیامدها و بحران و بی‌نظمی‌های برآمده از اسلام بوده که بخاطر انقطاع آن، به ویژه در دوره پهلوی را مورد بحث و بررسی قرار دهد، سپس با بیان مواضع و اختشاشات و آشوب‌ها رو پاسخ تاریخی ایرانیان نسبت به تجدد، در به رو است که با تدابیری قالب سه جریان مختلف که امام نیز در یکی از سه جریان، قرار می‌گیرد. امام با تأکید بر جوان می‌پردازد.	نوشتار حاضر به بررسی رابطه سنت و تجدد در اندیشه و عمل امام خمینی می‌پردازد و در این راه می‌کوشد با استفاده از چارچوب نظری توماس اسپریگنز (نظریه بحران)، به پرسش اصلی پژوهش که «امام خمینی (ره) رویارویی سنت و مدرنیسم در تاریخ معاصر ایران را چگونه می‌دید و تحلیل می‌کرد و از ویژگی‌های خوب این جهت حل آن چه راهکاری را پیشنهاد می‌دهد؟ پاسخ گوید و با پرداختن به پیشینه مدیریت بحران بخصوص تاریخی (ورود) مدرنیته به ایران، ابعاد، روند بحران سنت و مدرنیته در پیامدها و بحران و بی‌نظمی‌های برآمده از اسلام بوده که بخاطر انقطاع آن، به ویژه در دوره پهلوی را مورد بحث و بررسی قرار دهد، سپس با بیان مواضع و اختشاشات و آشوب‌ها رو پاسخ تاریخی ایرانیان نسبت به تجدد، در به رو است که با تدابیری قالب سه جریان مختلف که امام نیز در یکی از سه جریان، قرار می‌گیرد. امام با تأکید بر جوان می‌پردازد.	شیرخانی، علی	تاملی در مدرنیته ایرانی

نوآوری پژوهش این است که می‌خواهد نشان بدهد چالش تقابل و رویارویی سنت و تجدد مدرنیته و

چگونگی گذر از آن، با تلاش امام برای بازگشت به اسلام ناب و اصیل روبرو گشت و امام با طرح تمدنی و جامعه آرمانی و ایده آل خود راه‌کاری‌های مختلفی را برای برون رفت از معضلات جامعه مبنی بر بازگشت به اصول بنیادین حکومت اسلامی ارائه داد و برای عبور از سنت و مدرنیته جاهلانه به سنت و مدرنیته اسلامی جامعه را رهبری و هدایت کرد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی صورت گرفته است. در پژوهش‌های کیفی، پژوهشگر از طریق روش‌ها، فهم، معانی و مقاصد تفسیری به درک پدیده‌ها از دیدگاه مشارکت‌کنندگان و در بستر نهادی و اجتماعی خاص آنها دست می‌یابد. در این پژوهش، از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد استفاده شده است. برای ارزیابی فرایند کفایت پژوهش و اطمینان یافتن از کیفیت داده‌ها و تفسیرهای انجام شده، تلفیقی از شاخص‌های ارزیابی پژوهش‌های تفسیری، شامل اعتمادپذیری^۱، انتقال‌پذیری^۲، اتکاپذیری^۳، تصدیق‌پذیری^۴، راستی^۵ و تحقیقات مبتنی بر روش‌شناسی نظریه بر خاسته از داده‌ها، شامل تطابق^۶، قابل فهم بودن^۷، عمومیت^۸ و کنترل‌پذیری^۹ مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

در این تحقیق بنا به ماهیت تحقیق و روش مورد استفاده تحلیل اطلاعات مبتنی بر سه مرحله کدگذاری باز (خلق مفاهیم و مقوله‌ها)، کدگذاری محوری: شامل شناسایی مقوله محوری، شرایط علی^{۱۰} (حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامد)، راهبردها، شرایط مداخله‌گر، بسترها، پیامدها (اقدامات (کنش‌ها) و پاسخ‌ها (واکنش‌ها))، و کدگذاری انتخابی (خلق نظریه) است که

1. Credibility
2. Transferability
3. Dependability
4. Conformability
5. Integrity
6. Fit
7. Understanding
8. Generality
9. Control

۱۰. منظور از شرایط علی، اتفاقاتی است که منجر به وقوع یا رشد پدیده‌ها می‌شود. شرایط علی/مقدم در داده‌ها گاه با کلماتی مانند «وقتی»، «درحالی‌که»، «از آنجاکه»، «چون»، «به سبب»، «به علت» منعقد می‌شود.

در ادامه نحوه شکل‌گیری مقوله‌های حاصل از مفاهیم شرح داده می‌شود.

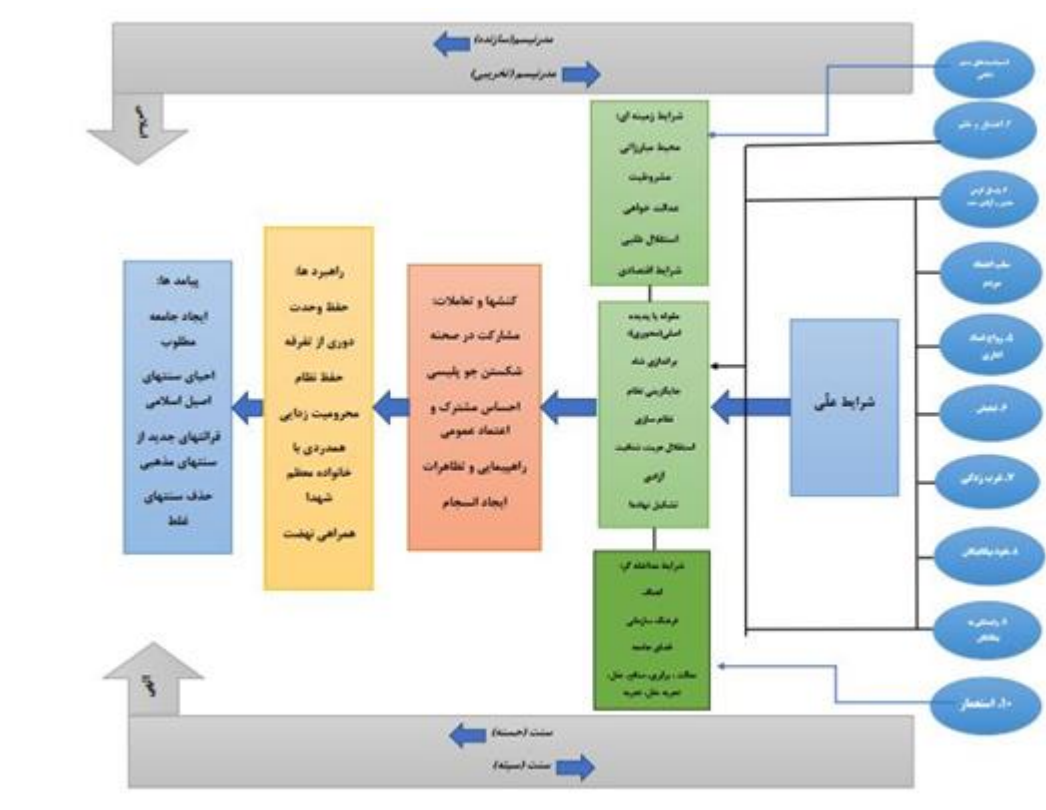
جدول ۲. دسته‌بندی کدهای شناسایی شده مقولات اصلی سنت و مدرنیسم از دیدگاه امام خمینی (ره)

شرایط علی	
مقوله اصلی	کدهای شناسایی شده
مدرنیسم	وابستگی به بیگانگان، نفوذ بیگانگان، غرب زدگی
فراموشی ارزشهای تمدنی	تبعیض، رواج فساد اداری، سلب اعتماد مردم
نادیده گرفتن ارزشهای اسلامی	پایمال کردن حقوق، آزادی ملت، اختناق و ظلم
	پدیده محوری
مقوله اصلی	کدهای شناسایی شده
هم‌سنجی ارزش‌های سنتی	براندازی شاه، جایگزینی نظام
تکیه بر سنت‌های دینی	نظام‌سازی، استقلال
	شرایط زمینه‌ای
مقوله اصلی	کدهای شناسایی شده
درک هم‌دلانه	عدالت خواهی، استقلال طلبی
مسئولیت‌پذیری	محیط مبارزاتی، مشروطیت، استعمار
	راهبردها
مقوله اصلی	کدهای شناسایی شده
توانمندسازی و اعتمادسازی	حفظ وحدت، دوری از تفرقه، حفظ نظام، محرومیت زدایی، همراهی با خانواده معظم شهدا، همراهی نهضت
خودگشودگی	افشاگری حکومت طاغوت، آگاهی بخشی در برابر استکبار، تکامل و خود بالندگی در مسیر هدف
	عوامل مداخله‌گر
مقوله اصلی	کدهای شناسایی شده
رفع مسائل و مشکلات	اهداف، فرهنگ سازمانی، نفی سیاست‌های ستم‌شاهی، فضای جامعه

سیستم ارزیابی عملکرد	انتخاب و انتصاب، قوم‌گرایی، کارشکنی قبیله‌ای، عدالت
	پیامدها
مقوله اصلی	کدهای شناسایی شده
انقلاب اسلامی	ایجاد جامعه مطلوب، حذف سنت‌های غلط
تشکیل نظام اسلامی	احیای سنت‌های اصیل اسلامی، قرایت‌های جدید از سنت‌های مذهبی

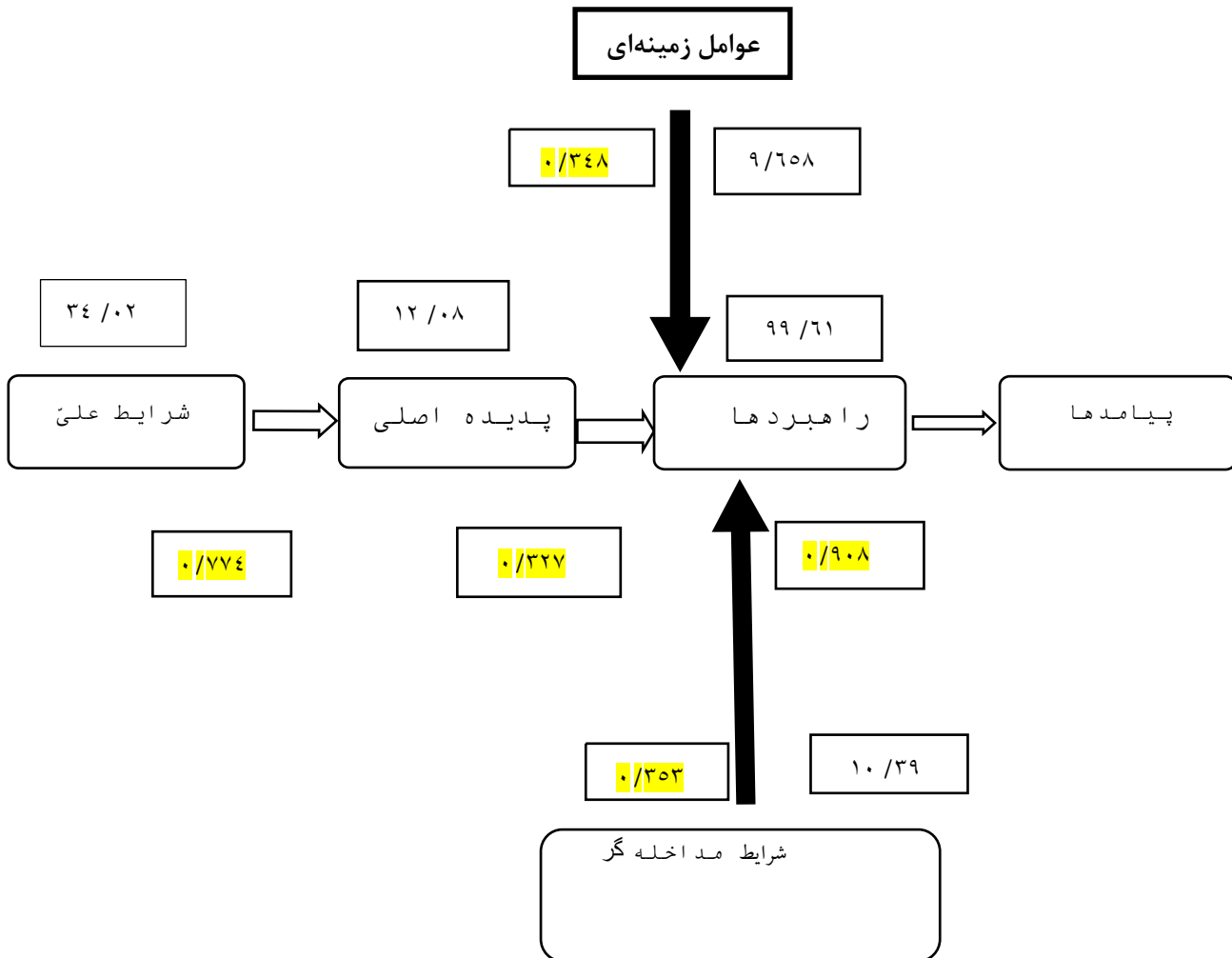
حضرت امام با مشاهده بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌ها و وضعیت اسفبار تاریخ معاصر ایران که حاصل رویارویی سنت و تجدد و عملکرد غلط دولت‌های حاکم در به کارگیری و اجرای عناصر مدرنیته غربی بوده است، معضل و بحران را در چند پدیده عمده و شاخص می‌دیدند؛ با توجه به بررسی ادبیات موجود و مراجعه به نظر خبرگان مدل پارادایمی زیر از فرمایشات ایشان استخراج گردیده است.

مدل پارادایمی تحقیق



تبیین مدل فرایندی تحلیل سنت و مدرنیته از دیدگاه امام خمینی (ره)

این مدل با اتکا به مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان به صورت‌بندی مدل و الگوی اکتشافی و فرآیندی برای تبیین پدیده اصلی می‌پردازد. این مدل با توجه به مطالب ذکرشده با استفاده از تجزیه و تحلیل و تلفیق داده‌ها از روش کیفی- استقرایی و تحلیل مقایسه‌ای پیوسته (شامل مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) و همچنین با استفاده از روش سیستماتیک اشتراوس و کوربین احصاء شده است. علاوه بر پدیده محوری این موضوع موجب شکل‌گیری پنج مقوله شامل عوامل علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر (محیطی)، عوامل راهبردی و پیامدها حول محور اصلی بر یکدیگر اثرگذار هستند.



اعداد موجود در جدول پایین شرایط علی به پدیده اصلی (۰/۷۷۴)، پدیده اصلی به راهبردها (۰/۷۲۳)، شرایط مداخله‌گر به راهبردها (۰/۳۵۳)، عوامل زمینه‌ای به راهبردها (۰/۳۴۸)، و راهبردها به پیامدها (۰/۹۰۸) این اعداد نشانگر ضریب استاندارد مدل هستند و با زرد مشخص شده‌اند. و اعداد موجود در جدول بالا شرایط علی به پدیده اصلی (۳۴/۰۲)، پدیده اصلی به راهبردها (۱۲/۰۸)، شرایط مداخله‌گر به راهبردها (۱۰/۹۳)، عوامل زمینه‌ای به راهبردها (۹/۶۵۸) و راهبردها به پیامدها (۹۹/۱۶) این اعداد نشانگر ضریب معناداری مدل است.

نتیجه‌گیری

در بینش امام خمینی کنار گذاشتن غرب و انکار تمامی مصداق‌های آن توصیه نشده است و از دیگر سو شیفتگی و از خودبیگانگی نیز نفی شده است. در این بینش و چگونگی رودررویی با مدرنیسم دو موضوع مهم مورد توجه است: اول شناخت جنبه‌های مثبت و منفی غرب امروز به عنوان پدیده‌ای که نمی‌توان منکر آن شد و دیگری شناخت و زندگی بخشی به ابعاد گوناگون هویت اسلامی و مجهز شدن به وسایل مناسب برای پشتیبانی از آن‌ها؛ و این چنین قادر است با اتکا بر هویت اسلامی و احیای برخی شاخص‌های آن با عنایت به موقعیت زمانی و مکانی و با اتکا به وجوه مثبت دیگر تمدن‌ها، تمدنی جدید مبتنی بر اسلام ایجاد نمود. امام خمینی ضمن اذعان به بحران ایجاد شده بین سنت و مدرنیسم، راه‌حل‌های هر دو جریان را دلیل تشدید بحران دانسته و خود با اتکا بر تمدن اسلامی و نگاهی انقلابی به ارائه راه حل می‌پردازد.

امام خمینی، ریشه این بحران‌ها و مشکلات را از چندین مقوله می‌داند. ایشان معتقد است مشکلات امروزی و بحران‌های پیش آمده، به طور کلی هم علل و زمینه‌های داخلی دارد و هم ناشی از عوامل خارجی یعنی استثمار و استعمار می‌باشد. از نظر ایشان علما و روحانیت و نخبگان مذهبی داخلی، یا اسلام واقعی را مطرح نکردند یا اسلام را طوری مطرح کردند که پاسخگوی تمام نیازهای بشری در همه اعصار نبود. از آن طرف هم استعمارگران تبلیغ کردند که عدم توسعه و پیشرفت جهان اسلام و ایران ناشی از دین اسلام و ارزش‌ها و سنت‌های حاکم بر جامعه شماسست و تنها راه برون رفت از این عقب‌ماندگی و انحطاط کنار گذاشتن اسلام و سنت‌های گذشته است. بنابراین با بررسی نظرات حضرت امام می‌توان علل بحران به وجود آمده از چالش سنت و تجدد را به دو گروه تقسیم‌بندی نمود: علل داخلی بحران و علل بیرونی که اختصاراً به آنها اشاره می‌شود.

۱. علل داخلی

الف) غرب‌زدگی

از منظر امام خمینی غرب‌زدگی و غرب شیفتگی و مرعوب نظام فکری و اجتماعی غرب شدن و در برابر پیشرفت‌های مادی غرب تسلیم شدن، یکی از مهم‌ترین بحران‌های ناشی از رویارویی سنت و تجدد در ایران معاصر است. ایشان در این رابطه می‌فرماید: «از آن وقتی که این خارجی‌ها راه پیدا کردند به کشورهای شرقی، تبلیغاتی که شده است اسباب این شده است که شرقی‌ها این گمان را پیدا کردند که هر چه کمال هست در غرب است و این اسباب این شده است که خودشان را به کُلّی در مقابل غرب و در مقابل شرقی که نظیر اوست و در مقابل امریکا و این‌ها باختند. در هر جناحی که می‌روید می‌بینید که در آن جناح، صحبت هِی از غرب است؛ صحبت هِی از خارج است. اگر یک دواپی در اینجا، در خود ایران هم پیدا بشود، باز به اسم دواپی خارج به خورد ایرانی‌ها می‌دهند. اگر یک پارچه خوبی هم ایران خودش تهیه کند و بیافد، باز باید با اسم فاستونی انگلیسی به مردم بفروشند! هر چیزی را که شما می‌روید سراغش، می‌بینید که هِی صحبت از این است که باید ما از آنها [بگیریم] باید از آنجا بیاید.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۴۳۳).

ب) تحجر و واپس‌گرایی

از دیدگاه امام خمینی، تحجرگرایی عبارت است از پاره‌ای برداشت‌های ناقص و سطحی از دین، گرایش‌های توأم با جهل و جمود و ظاهرگرایی و مقدس‌نمایی، اصالت و توجه به ظاهر دیانت و غفلت از باطن و اهداف آن، عدم دخالت نقش زمان و مکان در اجتهاد. (رجائی نژاد، ۱۳۸۷: ۵۰) حضرت امام این نوع نگرش نسبت به دین را عامل بحران و معضل برای مذهب می‌دانست. ایشان در این باره می‌فرماید:

«کوشش کنیم آثار فکری و روحی را که ناشی از تبلیغات و تلقینات بیگانگان و سیاست دولت‌های خائن و فاسد است، از بین ببریم و با آن مبارزه کنیم. این آثار کاملاً مشهود است. مثلاً بعضی را می‌بینیم که در حوزه‌ها نشسته به گوش یکدیگر می‌خوانند که این کارها از ما ساخته نیست. چکار داریم به این کارها؟ ما فقط باید دعا کنیم و مسئله بگوئیم. این افکار آثار تلقینات بیگانگان است. نتیجه تبلیغات سوء چند صد ساله استعمارگران است که در اعماق قلوب حوزه نجف و قم و مشهد و دیگر حوزه‌ها وارد شده و باعث افسردگی و سستی و تبلی گردیده و نمی‌گذارد رشدی داشته باشند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱۳۸)

۲. علل خارجی

پس از ورود تجدد و تقابل آن با هنجارها و ارزش‌های اصیل اسلامی، استعمارگران از عوامل اصلی ایجاد تنش و بحران در جوامع اسلامی خصوصاً در ایران معاصر بودند. به ویژه استعمار غرب که عملکرد آنان گاه به صورت مستقیم و گاه از طریق سیاست‌های شیطانی و عوامل داخلی‌شان نمایان می‌شد یا از طریق جریان‌سازی و مذهب‌سازی؛ نظیر بهائیت و یا به وسیله وادار ساختن دولت‌ها برای حمایت از رژیم‌های غیر مشروع؛ مانند اسرائیل. حضرت امام نسبت به این موضوعات و مشکلات در مقاطع مختلف حیات خود به ویژه در دوران رژیم پهلوی عکس‌العمل‌های شدیدی داشتند و بارها این معضلات را گوشزد می‌کردند از جمله می‌فرمایند:

«به ما این طور بفهمانند، و فهمانند که خودتان هیچ نیستید و هر چه هست غرب است و باید رو به غرب بایستید... یکی از اشخاصی که در زمان رضا شاه و بعد از رضا شاه هم بود و معروف هم بود - حالا من میل ندارم اسمش را ببرم - اولش هم معمم بود و بعد هم مگلا، [سیدحسن تقی زاده] و بعد هم در «سنا» و... گفته بود که همه چیز ما باید انگلیسی بشود! این طور نقشه بوده.» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۳۹۰).

حضرت امام در مواجهه با موضوع فوق‌دوره‌حل اساسی «اصلاح سنت و مدرنیته» و معرفی اسلام ناب و «قیام‌لله» را در طول هم پیشنهاد کردند که با وقوع پیروزی انقلاب اسلامی، و استقرار نظریه ولایت فقیه همراه با پشتوانه مردمی به نتیجه رسید.

کتابنامه

- خالقی، علی (۱۳۷۹). امام خمینی و گفتمان غرب، تهران، انجمن معارف اسلامی ایران.
- خمینی روح‌الله (۱۳۶۵). شؤون و اختیارات ولایت فقیه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی روح‌الله (۱۳۷۱). شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خمینی روح‌الله (۱۳۷۱). کشف اسرار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خمینی روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- رجائی نژاد، محمد (۱۳۸۷). تحجر و تحجرگرایی از دیدگاه امام خمینی، تهران، ستاد بزرگداشت رحلت امام خمینی.